

Research Article

An Outline of the Relationship between Justice and Security in the Islamic Government with Emphasis on the Idea of Imam Khomeyni¹

MohmmadHossin Fattahian¹, Hosein Rezapour²

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Shahrekord University, Chaharmahal and Bakhtiari, Iran (**Corresponding Author**). fattahin@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Islamic Sciences, Semnan University of Medical Sciences, Semnan, Iran. r.hosein14@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present study is to answer this main question that in drawing an outline of the relationship between justice and security based on the idea of Imam Khomeyni, what categories have high priority, low priority, or overlap? The method of study was qualitative and documentary and the results showed that justice is not contrary to security, but rather it is a realm for the emergence of political-social security. On the other hand, security should be a ground for spreading and expanding justice. In the idea of Imam Khomeyni, only a just government that has divine and ethical motivations based on spiritual and humanitarian values can establish security and reform the society. In contemporary history and based on the Ijtihādi approach of Imam Khomeyni, justice is among principles that leads to the humanitarian and reasonable existence of Fiqh (Islamic jurisprudence). He has focused on using this principle as a basis in both theory building and compatibility. Moreover, an overview of the ideas of Imam Khomeyni revealed many clues indicating that justice and security are compatible in his Islamic thought and practice.

Keywords: Justice, Security, Political Security, Social Security.

1. **Received:** 2020/01/26; **Accepted:** 2021/04/04

* Copyright © the authors

** <http://sm.psas.ir/>



ترسیمی از رابطه عدالت و امنیت در نظام اسلامی با تاکید بر اندیشه امام خمینی^۱

محمدحسین فتاحیان^۱، حسین رضاپور^۲

۱. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه شهرکرد، چهار محال و بختیاری، ایران (نویسنده مسئول).
fattahin@yahoo.com

۲. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران. r.hosein14@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سوال اساسی است که دیدگاه شیعه در ترسیم رابطه عدالت و امنیت، با تاکید بر اندیشه امام خمینی، کدام مقوله تقدّم، تأخر و یا همراهی را دارد؟ روش پژوهش کیفی از نوع تحلیل اسنادی بوده و نتایج نشان داد که عدالت نه به عنوان معارض امنیت، بلکه عدالت به عنوان عرصه و زمینه ظهور و بروز امنیت سیاسی- اجتماعی است. از سوی دیگر، امنیت باید بستر نشر و گسترش عدالت باشد. در اندیشه امام خمینی فقط حکومتی عادل که دارای انگیزه‌های الهی، اخلاقی و مبتنی بر ارزش‌های معنوی و انسانی باشد، می‌تواند امنیت را برقرار و جامعه را مدیریت و اصلاح کند. در تاریخ معاصر مبتنی بر رویکرد اجتهادی امام خمینی، اصل عدالت از جمله اصولی است که دخالت دادن آن به حیات انسانی و معقول فقه منتهی می‌شود. ایشان استفاده از این اصل را هم در تئوری و نظریه‌پردازی و هم در عرصه تطبیق، مبنای کار خود قرار داده است. به علاوه اینکه حاصل بررسی اندیشه امام خمینی نشانه‌های بسیاری پیرامون هم‌راستایی عدالت و امنیت در اندیشه اسلامی و تفکر و عمل ایشان دارد.

واژه‌های کلیدی: عدالت، امنیت، امام خمینی، امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی.

۱. مقدمه

عدالت به عنوان یکی از آرمان‌های والای انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و از دغدغه‌های مهم امام خمینی بوده است. میزان اهمیت عدالت را می‌توان در تأکیدات ایشان به وضوح مشاهده کرد. البته عدل با جاذبه‌ای فطری نزد وجدان عمومی بشریت، ارزشی گرانقدر دارد، زیرا در سایه عدل، هر کسی به حق خویش می‌رسد، تعدی و تجاوز از جامعه رخت برمی‌بندد و امنیت و آرامش فراگیر می‌شود. به همین جهت مردم، بی‌عدالتی را نکوهش می‌کنند و عدالت را می‌ستایند. امام صادق (ع) درباره این حقیقت که بی‌عدالتی عیب، و عدالت خوشایند همگان است، فرمودند: «از خداوند پروا کنید و به عدالت رفتار کنید، چرا که شما به قومی که عدالت نکند، خرده می‌گیرید» (کلینی، ۱۳۶۴: ج ۳، ص ۲۱۷).

نکته مهم اینکه، تفسیر و تأکید هر یک از این دو بر دیگری، سبب شکل‌گیری ساختارهای خاص اجتماعی و سیاسی در جوامع گوناگون می‌گردد. برای مثال وقتی امنیت حرف اول را بزند، نتیجه آن «الحکم لمن غلب» است، و صاحب شمشیر و شوکت، امیر و صاحب ملک و واجب‌الاطاعه بر سایر مسلمانان می‌باشد.

فارغ از نقد و بررسی این رویکرد، مسأله اصلی پژوهش حاضر ترسیم رابطه دو مقوله مهم عدالت و امنیت و بررسی و تشریح آن به ویژه با تأکید بر اندیشه امام خمینی است. پژوهش بر این فرضیه استوار است که عدالت نه به عنوان معارض امنیت، بلکه به عنوان عرصه و زمینه ظهور و بروز امنیت سیاسی اجتماعی می‌باشد. بنابراین، با توجه به اهمیت و جایگاه موضوع، در این پژوهش با روش کیفی از نوع تحلیل اسنادی، به بررسی و تحلیل مفهوم، کاربردها و سطوح مختلف عدالت و راهکارها و سازوکارهای تأمین عدالت و امنیت در نظام اسلامی با تأکید بر اندیشه امام خمینی پرداخته شده است.

۲. عدالت

۲-۱. مفهوم عدالت

«عدالت»، قانون حاکم بر جهان آفرینش است، «و بالعدل قامت السماوات و الارض». در حدیث نبوی است که نظام هستی بر محور عدل استوار می‌باشد.^۱ در حوزه سیاست و اجتماع، دادورزی و

۱. در تفسیر صافی، ذیل آیه ۷ سوره الرحمن، «و السماء رفعها و وضع المیزان» اشاره به این حدیث شریف نبوی دارد.

اجرای عدالت، با سابقه‌ترین آرمانی می‌باشد که همواره دغدغه حکماء و مصلحان اجتماعی بوده است. همه نخبگان فکری، صاحبان اندیشه و ادیان الهی به ویژه دین اسلام، بر تحقق عدالت در همه ابعاد زندگی تأکید فراوان دارند، اما هیچ‌گاه در مفهوم، روش‌ها و راهکارهای تحقق عدالت، توافقی حاصل نشده است.

افلاطون کتاب «جمهوریت» را به منظور بیان چگونگی تحقیق عدالت و شکل‌گیری مدینه نگاشت (کویره، ۱۳۶۰: ص ۴۷، ۸۰) و ارسطو در کتاب «سیاست» در جستجوی روش‌های اجرای عدالت می‌باشد و اجرای عدالت را معیار راستی و درستی حکومتی می‌داند (ارسطو، ۱۳۶۴: ص ۱۱۸).

فارابی در «سیاست مدینه» بر این رویکرد تأکید دارد که وظیفه سیاستمدار مدینه، نظام‌مند ساختن روابط اعضای جامعه براساس عدل است (فارابی، ۱۳۵۸: ص ۱۶۲). ابن سینا در «شفا»، هدف دین را تنظیم روابط اجتماعی براساس قانون عدل بیان می‌کند (ابن سینا، ۱۳۸۷: ص ۴۴۱-۴۴۴). بنابراین، توجه به عدالت و تأکید بر اجرای آن به شکل يك سنت سیاسی، همواره اندیشه حکماء را به خود مشغول نموده است.

اما جایگاه و اهمیت عدالت در اسلام به ویژه در اندیشه شیعه که نظام «امامت عدل» است، نه فقط «امام عادل» تبیین شفاف‌تری می‌یابد، بلکه عدل همانند توحید در تمام مسائل اعتقادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حقوقی نظام تجلی پیدا می‌کند. در این نظام فقط قرار گرفتن حاکم عادل در رأس قدرت کافی نیست، بلکه همه کارگزاران و مردم در هر رتبه‌ای از بالا تا پائین، باید از ویژگی عدالت برخوردار باشند، یعنی همانگونه که پیامبران مطابق «قل امر ربی بالقسط» (اعراف، ۲۹؛ شورا، ۱۵؛ حدید، ۲۵) به اجرای عدالت مأمور هستند، مردم نیز به تبع آنان موظفند در هر شرایطی در راستای اقامه عدالت بکوشند (مانده، ۸؛ نساء، ۱۳۵؛ حدید، ۲۵؛ نساء، ۵۸؛ نحل، ۹۰؛ سلیمی، ۱۳۸۴: ص ۳۱).

معنا و مفهوم عدل در لغت و اصطلاح، به تعبیر مختلفی آمده که به برخی از آنها اشاره می‌شود: «نهادن هر چیزی به جای خود»، «حد متوسط میان افراط و تفریط در قوای درونی» (معین، ۱۳۸۸)، «به تساوی تقسیم کردن» (معلوف، ۱۳۹۳)، «رعایت برابری در پاداش و کیفر دادن به دیگران، اگر عمل نیک است پاداش، و اگر بد است، کیفر داده شود» (راغب اصفهانی، بی تا: ص ۳۲۵).

عدل، ضد ظلم و جور و هم معنی قسط است، ریشه و مشتقات عدل نزدیک به سی مرتبه در قرآن ذکر شده و این تکرار به این نکته اشاره دارد که قرآن توجه زیادی به عدل داشته است (شرباصی، ۱۳۸۴: ج ۱،

ص ۴۳). به علاوه اینکه که در تعریف و مفهوم عدالت در گفتار ائمه (ع) عدالت در معانی وضع بایسته، رعایت حقوق و رفع تبعیض و بهره‌مندی به گونه مساوی به کار برده شده است، اما نکته قابل توجه اینکه در همه اینها به حق و حقوق افراد براساس موازین اسلام نظر دارد. آنچه بین اندیشمندان اسلامی معروف است: یعنی «العدل اعطاء كل ذي حق حقه»، ناشی از پیوند بین عدل و حق می‌باشد. همچنین می‌توان گفت که مفهوم عدالت، رعایت حقوق است (یوسفی، ۱۳۸۴: ص ۸۰).

تاکید و نظر پژوهش حاضر بر عدالت اجتماعی است. البته در بیان نسبت میان عدالت فردی و عدالت اجتماعی می‌توان گفت که عدالت فردی زیربنای عدالت اجتماعی و عدل الهی و ایمان نیز پایه و زیربنای عدالت فردی است. به تعبیر شهید مطهری «بدون شک، عدالت اجتماعی نمی‌تواند مفهومی مغایر با عدالت فردی داشته باشد» (مطهری، ۱۳۶۲: ص ۱۶).

۲-۲. اقسام و کاربردهای عدالت

کاربرد مفهوم واژه عدالت در سه حوزه دانش بشری یعنی فلسفه، کلام و علوم اجتماعی دارای معنایی متفاوت می‌باشد، البته در يك بُعد، مفهوم مشترك دارند، یعنی در هر سه حوزه، عدالت صفت فعل و رفتار است. به عبارت دیگر، در حوزه فلسفه و کلام، صفت فعل خدای متعال بوده و در حوزه علوم اجتماعی، عدالت، صفت رفتارها، روابط و قوانین بشر است.

در کلام و سخنان ائمه معصومین (ع) آنچه درباره جایگاه و اهمیت عدالت بیان شده، در معنای دوم یعنی عدالت در رفتارها، روابط قوانین بشر است. بنابراین، عدالت اجتماعی زمانی تحقق می‌یابد که رفتارها و روابط اجتماعی بر میزان «عدالت» تنظیم شده باشد.

در بررسی مفهوم عدالت، دقت در عرصه‌های کاربردی آن می‌تواند تسهیل‌گر فهم و تبیین بهتر باشد. بر این اساس با تأملی در کاربردها، گرچه در تمام موارد، مفهوم لغوی عدالت لحاظ شده است، اما در اضافه شدن عدالت به هر يك از آن عرصه‌ها، توجه به بعضی از عوامل، بیشتر از موارد دیگر بوده است. از این رو تقسیماتی چون عدالت تکوینی، عدالت تشریحی، عدالت فقهی، عدالت اخلاقی، عدالت فردی، عدالت اجتماعی در تعبیرات اندیشوران وارد شده است. گرچه هر يك از اقسام فوق در پرتو مفهوم عدالت روشن می‌شود، اما برای فهم بیشتر واژه مورد نظر، در این بخش به دو مفهوم عدالت فردی و عدالت اجتماعی به عنوان موضوع اصلی بحث پژوهش حاضر پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱. عدالت فردی

ترکیب عدالت فردی، در مقابل عدالت اجتماعی به کار می‌رود. این مفهوم در کاربردهای دینی زیاد مورد نظر بوده است. مقصود از عدالتی که در مناصب مهمی چون مرجعیت فتوایی، قضاوت، شهادت و امامت جماعت و جمعه و... شرط شده، عدالت فردی است. نکته قابل توجه آن است که مفهوم عدالت فردی خود در حوزه فقه و اخلاق قابل طرح و بررسی بوده و در بعضی مواقع مفهوم اخلاقی و فقهی خلط می‌شود و یا در جای یکدیگر به کار برده می‌شوند (طباطبایی، بی تا: ج ۶، ص ۲۰۶).

۲-۲-۲. عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی زمانی تحقق می‌یابد که رفتارها، روابط و قوانین بشری بر میزان عدالت تنظیم شده باشد، به عبارت دیگر، عدالت باید در تمام عرصه‌های گوناگون جامعه اسلامی ساری و جاری باشد. در نتیجه بُعد عدالت اجتماعی، تمام عرصه‌های اقتصاد، سیاست، فرهنگ و... را فرامی‌گیرد. استاد مطهری در تبیین عدالت اجتماعی و اهمیت آن به این نکته اشاره دارد که «اصل عدالت اجتماعی» نه تنها حکمت فقه اجتماعی است، بلکه در سلسله علل احکام نیز وجود داشته و صحت و سقم اجتهاد در احکام اجتهادی را باید با اصل عدالت محک زد و سنجید: «اصل عدالت با همه اهمیت آن، در فقه مورد غفلت واقع شده است... ولی با این همه تأکیدی که قرآن کریم بر مسأله عدالت اجتماعی دارد... یک قاعده و اصل عام در فقه از آن استنباط نشده و این مطلب سبب رکود فکر اجتماعی فقهای ما گردیده است» (مطهری، ۱۳۶۲: ص ۴۷). در این دیدگاه «اصل عدالت اجتماعی» در فقه، در موضع والایی قرار دارد و اگر احکام شرعی نافی تحقق چنین اصلی باشند، مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت. «عدالت تنها یک حسنه اخلاقی نیست، بلکه یک اصل اجتماعی بزرگ بوده و اسلام به آن فوق‌العاده اهمیت داده است» (مطهری، ۱۳۶۲: ص ۱۵۴).

۳. امنیت

امنیت یک مفهوم چند وجهی است و به همین جهت درباره مفهوم و معنای آن اختلاف نظر بسیاری وجود دارد. در فرهنگ لغت لاروس ذیل عنوان «امن»، امنیت را چنین تعریف می‌کند: «اعتماد، آرامش و روحی و روانی است. تفکری که براساس آن خطر، ترس، وحشت و خسران بی معنا می‌شود (جر، ۱۳۹۱، ذیل عنوان امن). راغب اصفهانی در کتاب «مفردات قرآن» در بیان مفهوم امن و امنیت آورده: «امن در

اصل به معنی آرامش روح و از بین رفتن ترس است» (راغب اصفهانی، بی تا: ص ۳۲۵). امنیت در کتاب «قاموس قرآن» در ذیل واژه «امن» به معنی «ایمنی، آرامش و خاطر جمع بودن» آمده است (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۱). امنیت همچنین عبارت است از رهایی از تردید، آزادی از بیمناکی و اضطراب، اطمینان موجه. امنیت خواه فردی، جمعی یا بین‌المللی، در زمره مسائلی است که انسان به طور گسترده و روزمره زندگی اش با آن مواجه است. پس به طور خلاصه امنیت در لغت یعنی در معرض خطر نبودن، یا از خطر محافظت شدن.

در اصطلاح مفهوم امنیت، علی‌رغم مفهوم به ظاهر ساده آن، دارای مفهومی متنوع و در عین حال مبهم می‌باشد. در دایره‌المعارف علوم اجتماعی، واژه امنیت چنین تعریف شده است: «توان یک ملت در حفظ ارزش‌های داخلی از تهدیدات خارجی» (قاسمی، ۱۳۸۰: ص ۱۳).

در چارچوب حکمت متعالیه، تعریف امنیت مبتنی بر یک رویکرد سازه‌ای است. هر مکتب و نظریه امنیتی، این سازه (امنیت) را با نظام فرهنگی و ارزشی خود بنا می‌کند. مبتنی بر حکمت متعالیه، امنیت به بقای ابدی پیوند می‌خورد، یعنی تقدیم ارزش‌های الهی بر ارزش‌های مادی. بنابراین، از یک‌سو انجام کارهایی که بقای ابدی و لقاء و رضای الهی در آن بوده و از سوی دیگر ترك هر کاری که خشم خدا در آن است و کسی هم در این مسیر متعرض یا مانع ما نشود، چون برای انسان بقای ابدی مهم است (لک‌زایی، ۱۳۹۳).

به هر حال توافقی در مورد تعریف امنیت وجود ندارد. بر این اساس امنیت در یک کاربرد مضاف در متن‌های متفاوت منجر به تفاوت موضوعات پژوهش می‌گردد. امروزه مفهوم امنیت به عنوان مفهومی چند لایه با ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و محیطی رخ می‌نمایاند. در تلقی جدید، امنیت کشورها به قابلیت افزایش هماهنگی، تعمیق حس مدنیت، کاهش معارضات و تنش‌های اجتماعی بازتعریف می‌گردد. امنیت در شکل نازل و کلاسیک آن، همان امنیت جامعه از تعدی راهزنان و ایمن بودن شهرها است. در حالی که در ابعاد گسترده و واقعی آن معطوف به «حقوق شهروندی» می‌باشد (رادمند، ۱۳۷۹: ص ۱۱۵). در این پژوهش مراد از مفهوم امنیت، در چهارچوب حکمت متعالیه است.

۴. رابطه عدالت و امنیت

امنیت، آزادی، عدالت، رفاه، رشد و توسعه از جمله ارزش‌هایی است که اغلب جوامع آن را مورد توجه ویژه قرار داده‌اند. اما در فقه سیاسی شیعه عدالت اجتماعی، ارزش برتر تلقی می‌گردد. در منطق امام علی (ع) «عدالت اجتماعی» بر «نظم و امنیت» تقدم دارد و عدالت هر چند به بهای برهم خوردن نظم و

آرامش جامعه شود و گرفتاری برای حکومت اسلامی ایجاد کند، لازم الاجرا است. برقراری امنیت و آرامش در جامعه، اگر در بعضی از شرایط مستلزم بی‌عدالتی و ظلم به بعضی از شهروندان باشد، هیچ‌گاه چنین آرامشی در جامعه، مطلوب نبوده و تجویز نمی‌گردد، اما در نقطه مقابل، اگر در راه اجرای عدالت، امنیت به مخاطره افتد، اجرای عدالت به خاطر بروز ناامنی تعطیل نمی‌شود. از سخنان و سیره حضرت علی (ع) استفاده می‌شود که هیچ‌گاه حاضر نبود عدالت را حتی به بهای شورش و ناامنی در جامعه قربانی کند. معلوم می‌شود در اندیشه حضرت، «عدالت» بر «امنیت» در جامعه برتری دارد. بسیاری از تحلیل‌گران تاریخ گفته‌اند که روگردانی بسیاری از روسای قبایل و برخی از مردم از امام علی (ع) و پیوستن به معاویه، چیزی جز «پافشاری امام بر اجرای عدالت» و متقابلاً بی‌اعتنایی معاویه به آن و بخشش‌های بی‌حد و اندازه از بیت‌المال مسلمانان نبود (ورعی، ۱۳۸۱، به نقل از: تستری: ج ۶، ص ۴۹۰).

نکته مهم‌تر در هم‌سازی عدالت و امنیت اینکه در نگاه شیعی وقتی هر برابری عدالت نباشد، و عدالت به «اعطاء کل ذی حق حقه» و یا «وضع الشئ فی موضعه» تعریف گردد (نهج‌البلاغه، کلمات قصار، کلمه ۳۷)، تحقق عدالت با امنیت هم‌ساز می‌شود.

پس، عدالت به عنوان معارض امنیت نیست، بلکه عرصه‌ای برای ظهور و بروز همه‌جانبه امنیت سیاسی- اجتماعی در نظام اسلامی است. حضرت امیر (ع) می‌فرماید: «همانا گشایش امور با عدالت است، کسی که عدالت او را در مضیقه اندازد، ظلم و ستم مضیقه بیشتری برای او ایجاد می‌کند»،^۱ یعنی در عدل سعه و بی‌کرانه‌ای است که اجرای آن در هر حال منجر به نتیجه خیر می‌گردد، شاید به شکل مقطعی اجرای عدالت موجب ناامنی و شورش شود، ولی در نهایت این عدالت زمینه‌ساز امنیتی پایدار می‌گردد که گاهی از محدوده زمان خارج شده و به یک جریان در طول تاریخ تبدیل می‌شود.

۵. عدالت و امنیت در اندیشه امام خمینی

۵-۱. عدالت

«اگر اذعان کنیم که انقلاب ما یک انقلاب با ماهیت اسلامی بوده، یعنی عدالت خواهانه بوده...» (مطهری، ۱۳۸۷: ص ۹۴)، تحقق و وصول به عدالت اجتماعی یکی از وعده‌ها و اهداف اصلی انقلاب

۱. «فان فی العدل السعه و من ضاق علیه العدل فالجور علیه اضیق» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵).

اسلامی ما بود که بنیانگذاران آن در سال‌های گذشته در نسبت‌سنجی با دوران حکمرانی تاریخ‌ساز امام علی(ع) مطرح کرده‌اند (قرلسفلی، ۱۳۹۷: ص ۱۱۷). پس در آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی، یکی از مهم‌ترین ارزش‌ها و خواسته‌ها، «عدالت» است.

اما مهم‌تر اینکه در رویکرد اجتهادی امام خمینی، «اصل عدالت» از جمله اصولی است که دخالت دادن آن به حیات انسانی و معقول فقه منتهی می‌شود. اگر فقیه، عدالت را به عنوان يك قاعده فقهی در شیوه استنباط دخالت دهد، از انحراف در استنباط مصون خواهد بود. امام خمینی به استناد برخی شواهد اعتقاد دارد که در تشریح احکام، عدالت مقیاس است و در سلسله علل قرار می‌گیرد. اوامر و نواهی شرعی بر این اساس تنزیل و تشریح شده است. بر همین اساس در استنباط، عدالت باید به عنوان ترازوی سنجش مورد نظر و توجه فقه‌ها باشد. با تأملی در اندیشه‌های امام خمینی د می‌یابیم که ایشان استفاده از این اصل را هم در تئوری و نظریه‌پردازی و هم در عرصه تطبیق، مبنای کار خود قرار داده است (مهریزی، ۱۳۸۱: ص ۱۱۱).

امام خمینی در کتاب بیع درباره حکومت اسلامی و قوانین آن می‌نویسد: «انّ الاسلام قام لتأسيس حومه عادله فیه قوانین مربوطه بالمالیات و بیت‌المال و أخذها من جمیع الطبقات علی نهج عدل و قوانین مربوطه بالجزئیات قصاصاً و حدّاً و دیه، بوجه لو تحمل بها لقلّت الجنایات لو لم ننقطع...» (امام خمینی، بی‌تا: ج ۲، ص ۴۶۰). ایشان در تحلیل و تبیین احکام، مکرر به عدل و عدالت اشاره دارد، یعنی می‌توان ادعا نمود که در اندیشه ایشان عدل و ظلم در سلسله علل احکام جای داشته و حرمت و وجوب می‌تواند معلول این دو امر باشد.

۲-۵. امنیت

در نظر امام خمینی حفظ امنیت نظام جمهوری اسلامی ایران بر مسائل دیگر ترجیح داشته و هیچ موضوعی برتر از آن قرار ندارد، یعنی حفظ نظام سیاسی و گسترش اسلام ناب، حفظ تمامیت ارضی و تأمین منافع و نیازهای حیاتی جزء مهم‌ترین اهداف و ارزش‌هایی قلمداد می‌شود که تهدید آنها، تهدید علیه امنیت ملی به حساب می‌آید. این نوع نگرش به موضوع امنیت در دیدگاه‌های امام خمینی، بازگشت به رویکرد اسلامی به امنیت است، یعنی برخلاف رویکردهای غربی، به ابعاد امنیت که فقط به ارزش‌های این جهانی و دنیوی شهروندان تأکید دارند، امام خمینی زیربنای اصلی امنیت مادی و غیرمادی را در حوزه امنیت معنوی و ایمان الهی جستجو می‌کند و هدف حکومت را تأمین امنیت و آرامشی می‌داند که به دنبال

آن، یک سیر روحی و الی‌الله و هدایت به سوی خدا باشد و زمینه‌های بندگی و توجه به خدا را مهیاء سازد (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱۹، ص ۵۱). از منظر نگاه امام خمینی فقط حکومتی عادل که دارای انگیزه‌های الهی و اخلاقی و مبتنی بر ارزش‌های معنوی انسانی باشد، خواهد توانست امنیت را برقرار و جامعه را مهار و اصلاح کند و این همان حکومتی است که انبیاء به دنبال آن بودند (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۸، ص ۱۶). چنین حکومتی جز با مشارکت مردم و گسترش عدالت اجتماعی محقق نخواهد شد (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱: ص ۳۳-۵۵). پس نقطه آسیب و تهدید جدی برای نظام جمهوری اسلامی، به مخاطره انداختن امنیت نظام اسلامی در ابعاد داخلی و خارجی آن است.

۶. عرصه‌های همراهی عدالت و امنیت در اندیشه سیاسی امام خمینی

مبتنی بر هم‌راستایی عدالت و امنیت در اندیشه اسلامی و تفکر و عمل امام خمینی، در مباحث مختلف شاهد تشریح اهداف و جهت‌گیرهای نظام اسلامی در چارچوب این رویکرد هستیم. امام خمینی در بسترسازی دوسویه تعامل و همراهی عدالت و امنیت تلاش می‌کند میان این ابعاد و سازوکارها، پیوند و تعاملی پیوسته و عمیق ایجاد کند. از این منظر، در بیان عرصه‌های همراهی عدالت و امنیت در اندیشه امام خمینی، تاکید بر موضوعاتی است که در بسترسازی این تعامل و همراهی نقش دارد.

۶-۱. حفظ اسلام و نظام سیاسی اسلام

در اندیشه امام خمینی فقط حکومتی عادل که دارای انگیزه‌های الهی، اخلاقی و مبتنی بر ارزش‌های معنوی و انسانی باشد، می‌تواند امنیت را برقرار و جامعه را مدیریت و اصلاح کند. این همان حکومتی است که انبیاء به دنبال آن بودند (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱۶، ص ۶۲)، یعنی تشکیل و حفظ نظام اسلامی برای رسیدن به امنیتی که به دنبال آن، یک سیر روحی الی‌الله و هدایت به سوی خدا پیدا شود و زمینه‌های توجه به خدا و عبودیت الهی محقق گردد (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱۹، ص ۵۱). پس در اندیشه امام خمینی حفظ اسلام و نظام اسلامی یک مطلوب اساسی است. مطلوبی که برتر از آن در شرح وظایف حکومت‌گران و افراد جامعه اسلامی نیست، زیرا با حفظ اصل اسلام و نظام اسلامی تحقق سایر اهداف میسر می‌گردد. «یک مطلوب در کار است، و آن مطلوب همه شماها هست و آن حفظ جمهوری اسلامی که حفظ اسلام و حفظ کشور اسلامی است، می‌باشد» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱۴، ص ۱۴۱). این مطلوب از منظر فقهی یک امر واجب و فریضه الهی تلقی می‌گردد. فریضه‌ای که هیچ واجبی بالاتر از آن نیست. «حفظ

اسلام یک فریضه الهی است، بالاتر از تمام فرایض. هیچ فریضه‌ای در اسلام بالاتر از حفظ خود اسلام نیست» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱۵، ص ۳۲۹). «اما الان مسأله درجه اول، حفظ اسلام است» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱۱، ص ۱۱۸). «هدف ما حفظ اسلام است، نه حفظ دنیای خود» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۲۷۵).

به عبارت دیگر، در تحلیل همراهی عدالت و امنیت در موضوع حفظ امنیت نظام اسلامی می‌توان گفت، به استناد اندیشه و عمل امام خمینی که نشان از وفاداری و تعهد ایشان حتی بعد از تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران نشان از شأن و منزلت عدالت در نگاه و عمل ایشان دارد. به علاوه در فقه شیعه به دلیل محوریت اصل امامت که به عنوان تنها نظام سیاسی مشروع - دارای رویکردی در جهت حفظ نظام سیاسی مبتنی بر امامت - است، فقهای شیعه حفظ نظام اسلامی و دولت اسلامی را واجب دانسته و برخی از جمله امام خمینی آن را اوجب واجبات قلمداد کرده‌اند. شاید بتوان در تحلیل و تحلیل اتخاذ چنین موضعی به دو موضوع اشاره داشت:

نخست: با عنایت به نظام امامت و ولایت در فقه شیعه، به عنوان تنها نظام سیاسی مشروع، حاکم و حکومت معصوم (با ویژگی عصمت) یا ولی فقیه جامع‌الشرایط (با ویژگی تقوا، عدالت و تدبیر و آگاهی به زمانه)، که از عاملان تولید و حفظ امنیت ملی محسوب می‌شوند، سبب می‌گردد امنیت جامعه اسلامی در ابعاد مختلف تأمین شود. بنابراین، در نگاه فقهای شیعه، حفظ نظام جامعه از اصول و قواعد مهم فقهی بوده و به وجوب حفظ آن حکم داده و اخلال در آن را ممنوع و مذموم دانسته‌اند (لک‌زایی، نباتیان و کریمیان، ۱۳۹۵: ص ۲۰-۶۱).

دوم: ناظر به هدف و غایت امنیت در نظام اسلامی، تلاش برای تولید و تأمین امنیت قرب به خدا و الهی شدن جامعه اسلامی است که این خود، غایت دانش فقه هم محسوب می‌شود که عبارت است از سوق دادن انسان مسلمان به قرب الهی و رضایت‌مندی (لک‌زایی، نباتیان و کریمیان، ۱۳۹۵: ص ۲۰-۶۱). با توجه به دو موضوع فوق، حفظ نظام عدالت‌محور که پایبند به تأمین امنیت قرب به خدا و الهی شدن جامعه اسلامی است، از اوجب واجبات و اخلال در آن ممنوع و مذموم می‌باشد.

۲-۶. تحقق عدالت و قسط در جامعه

بر مبنای بینش امام خمینی، در هم راستایی عدالت و امنیت در جامعه اسلامی، برقراری قسط و عدالت

به عنوان هدفی توحیدی در جوامع بشری است. جهت امنیت مورد نظر امام خمینی در نظام اسلامی، بسترسازی تحقق و گسترش عدالت و قسط در بین مردم است، یعنی تحقق عدالت و قسط در جامعه اسلامی در همه ابعاد، از مهم‌ترین وظایف حکومت اسلامی است که در سیاست‌ها، برنامه‌ها و عملکردها باید لحاظ گردد. به تصریح قرآن کریم، بالاترین هدف اجتماعی، ارسال رسل و انزال کتب برقراری قسط و عدل در جامعه است، «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵).

امام خمینی نیز هدف اصلی اسلام و همه احکام شرعی را بسط عدالت و حکومت اسلامی معرفی می‌کند: «اسلام حکومت است با تمامی شئون آن. احکام شرعی قوانین اسلام است و قوانین شأنی از شئون حکومت است. بلکه همه احکام مطلوب بالعرض ... است برای اجرای حکومت و بسط عدل» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۴۷۲).

امام خمینی، حکومت اسلامی که مطلوب‌ترین خواسته ایشان در تحقق انقلاب اسلامی بوده است را مترادف با حکومت عدالت می‌داند، یعنی اسلامی بودن در این رویکرد با عادلانه بودن مترادف است. «ما می‌گوییم حکومت اسلامی، می‌گوییم حکومت عدالت، ما می‌گوییم یک حاکمی باید باشد که به بیت‌المال مسلمین خیانت نکند، دستش را دراز نکند، بیت‌المال مسلمین را بر ندارد، ما این یک مطلب را می‌گوییم. این یک مطلب مطبوعی است که در هر جامعه بشری که گفته بشود، برای هر کس گفته بشود، از ما می‌پذیرند» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۹، ص ۵۰۹).

پس حکومت مطلوب مورد نظر امام خمینی، حکومت عدالت می‌باشد که حسب این خصیصه مطابق فطرت بشر است و چون مطابق فطرت و طبع بشر بوده، امری انسانی و مورد پذیرش همگان است. «عدل اسلامی را مستقر کنید. با عدل اسلامی همه و همه در آزادی و استقلال و رفاه خواهند بود» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۷: ص ۱۱۵).

همچنین ستم‌ستیزی و مبارزه با ظلم، بی‌عدالتی، تبعیض، نفی فسق و فجور و مواردی از این قبیل از مهم‌ترین الزامات عدل در حکومت اسلامی در نگاه امام خمینی محسوب می‌گردد (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۶، ص ۹۱؛ ج ۷، ص ۱۱۵، ۲۹۱، ۱۴۸؛ ج ۲۱، ص ۴۰۶). لذا، امام خمینی هدف کلی و اساسی انقلاب و حکومت را اجرای عدالت بیان می‌کند، «چرا که هدف نجات ملت است، اجرای عدالت اسلامی و برقراری حکومت الهی بر پایه محکم عدل است» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۱۴۰). پس تحقق

عدالت و قسط در جامعه اسلامی شأنی راهبردی و از وظایف حکومت اسلامی است که در سیاست‌ها، برنامه‌ها و عملکردها باید لحاظ گردد.

۳-۶. اجرای عدالت زمینه‌ساز پیشرفت و محیط امن

عدالت به عنوان عرصه و زمینه ظهور و بروز امنیت سیاسی - اجتماعی می‌باشد. از سویی دیگر، امنیت باید بستر نشر و گسترش عدالت باشد. لذا، در اندیشه امام خمینی مهم‌ترین کارکرد و اثر عدالت، ایجاد محیطی امن و آرام برای بروز استعدادها و توانایی‌ها و خلاقیت‌های آحاد جامعه در همه حوزه‌های فکری و عملی است. «در یک محیط آشفته نمی‌شود که اهل عرفان، عرفانشان را عرضه کنند، اهل فلسفه، فلسفه‌شان را، اهل فقه، فقه‌شان را؛ لکن حکومت، یک حکومت عدل الهی شد و عدالت را جاری کرد و نگذاشت فرصت‌طلب‌ها به مقاصد خودشان برسند. در یک محیط آرام همه چیز پیدا می‌شود» (امام خمینی ۱۳۷۹: ج ۲۰، ص ۱۱۶).

ایشان با اشاره به اینکه «در یک محیط آرام همه چیز پیدا می‌شود»، به واقع وجود امنیت را شرط لازم برای تحقق تمامی اهداف جوامع عنوان می‌نمایند. حتی ایشان اقامه عدل را زمینه‌ساز توسعه معرفت الهی دانسته‌اند (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱۹، ص ۸۴). در همین راستا در جای دیگری ایشان اجرای عدالت را زمینه‌ساز آزادی، استقلال و رفاه می‌دانند و می‌فرمایند: «عدل الهی را مستقر کنید، با عدل اسلامی همه و همه در آزادی، استقلال و رفاه خواهند بود» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۶، ص ۷۷).

۴-۶. عدالت، امنیت و حقوق شهروندی

همان‌گونه که در بیان مفهوم امنیت اشاره شد، در تلقی جدید، امنیت کشورها به قابلیت افزایش هماهنگی، تعمیق حس مدنیت، کاهش معارضات و تنش‌های اجتماعی بازتعریف می‌گردد. به عبارت دیگر، امنیت در ابعاد گسترده و واقعی آن معطوف به «حقوق شهروندی» مطرح می‌باشد. در تاریخ معاصر و مواجهه اندیشمندان مسلمان با پدیده دولت مدرن، و بازطرح نظریه دولت اسلامی، ناگزیر بوده‌اند که به «مسأله شهروندی» در این دولت پاسخ دهند (بیگلری، ۱۳۹۸: ص ۷۰).

در زبان و گفتار سیاسی امام خمینی، واژه حقوق شهروندی به کار نرفته، اما لوازم و مؤلفه‌های شهروندی به طور جدی در بیانات ایشان مکرر مورد تأکید قرار گرفته است. این مسأله را در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که خود بر اندیشه شیعی و به خصوص بر اندیشه امام خمینی مبتنی است، می‌توان

به خوبی مشاهده کرد. ایشان برای ارجاع به برخی حقوق شهروندی، از نشانه‌هایی چون «حقوق ملت» و «حق ملت» بهره‌گیری نموده‌اند. امام خمینی یکی از دلایل سرنگونی رژیم پهلوی را زیرپا نهادن «حقوق ملت» برمی‌شمارد (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۴، ص ۲۶۵، ۳۸۵؛ ج ۵، ص ۵۳۰؛ ج ۶، ص ۲؛ ج ۵، ص ۱۸۵). بنابراین، جمله «میزان، رأی ملت است» (۱۳۷۹: ج ۷، ص ۱۲۲) و یا «از حقوق اولیه هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت خود را در دست داشته باشد» (همان: ج ۳، ص ۴۲) در همین راستا قرار دارد. امام خمینی به صراحت اظهار می‌دارند که در جمهوری اسلامی «ما تابع آرای ملت هستیم» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱۰، ص ۱۸۱) و «انتخاب با ملت است» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۳: ص ۱۴۵) و «ملت باید همه ناظر باشند» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱۳، ص ۷۰). نکته بسیار مهم در اندیشه ایشان، از جمله حقوق شهروندی، حق نظارت است. که با استناد به اصل امر به معروف و نهی از منکر، حتی مردم را ناظر بر عملکرد ولی فقیه می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱۰، ص ۳۳-۳۴).

۵-۶. استبداد، نقض حقوق مردم

امام خمینی «حکومت اسلامی» را در مقابل «حکومت استبدادی» به کار می‌برد. پس استبداد به عنوان ناقض حقوق مردم از سوی ایشان طرد می‌شود. از مولفه‌های حکومت اسلامی، نفی ارباب و ترس مردم از حکومت است (بیگلری، ۱۳۹۸: ص ۷۸). ایشان حکومتی که مردم نسبت به آن در رعب و وحشت باشند را در زمره دسته‌بندی حکومت‌های طاغوتی قرار می‌دهد. ایشان در مقابل حکومت طاغوتی، محیط مبتنی بر رحمت، دوستی و محبت را معیار حکومت اسلامی می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۷، ص ۲۳۵-۲۳۸). از نگاه امام خمینی حکومتی که در مسیر عدالت قرار دارد، حق و اسلامی بوده و غیر آن باطل است (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۹، ص ۵۰).

امام خمینی اعتقاد دارد که در حکومت استبدادی، رئیس دولت مستبد، مال و جان مردم را به بازی گرفته، در آن به دلخواه خود دخل و تصرف می‌کند. هر کس را اراده‌اش تعلق گرفت، می‌کشد. هر کس را که خواست، انعام می‌کند و به هر کس خواست، تیول می‌دهد و املاک و اموال ملت را به این و آن می‌بخشد (امام خمینی، ۱۳۵۷: ص ۵۲).

۷. معیار عدالت و امنیت در آزادی عقیده و بیان

یکی از وجوه امنیت افراد این است که آنها بتوانند نخست، نسبت به همه عقاید و گرایش‌های سیاسی

بیان‌دیشند و تحقیق و بررسی نمایند، دوم، یکی از این عقاید و گرایش‌ها را بپذیرند، سوم، بر این اساس، چنانچه عقیده فردی همسو و هماهنگ با تئوری پذیرفته شده و تثبیت شده موجود باشد که طبعاً مشکل و محدودیت خاصی برای ابراز آن قابل تصور نیست، جز اینکه نباید این عقاید حقه به گونه‌ای نشر داده شود که باعث اختلال در نظم و امنیت جامعه یا برانگیختن اختلافات قومی، مذهبی یا سیاسی بشود، در این باره، عمومات و وجوب حفظ نظام، حرمت اختلال نظام، تفرقه و بی‌نظمی می‌تواند مورد استناد قرار گیرد. امام خمینی در این زمینه در مقاطع گوناگونی بر آزادی عقیده و بیان، تا آنجا که باعث اختلال نظام نشود، تأکید کرده‌اند: «در فلسفه اسلامی، از همان ابتدا مسئله کسانی مطرح شده است که وجود خدا را انکار می‌کرده‌اند. ما هیچ‌گاه آزادی آنها را سلب نکرده و به آنها لطمه وارد نیاورده‌ایم. هر کس آزاد است که اظهار عقیده کند و برای توطئه کردن آزاد نیست» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۳۷۱). «آزادی بیان و قلم و عقیده برای همگان آزاد می‌باشد، ولیکن مردم توطئه را هرگز اجازه نمی‌دهند» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۶، ص ۲۶۲).

۸. نتیجه‌گیری

عدالت به عنوان فضیلت برتر و از واژگان آرمانی بشر، تحقق آن ترسیمی از جامعه آرمانی و فاصله انسانی است. اما در بستر تحقق عدالت، امکان معارضه و تقابل با امنیت ایجاد می‌شود. به این معنا که امکان دارد تحقق یکی مانع از تحقق دیگری گردد و به عبارت دیگر عدالت قربانی امنیت یا عکس آن صورت پذیرد. واضح است که تفسیر و تأکید هر یک از این دو بر دیگری سبب شکل‌گیری ساختارهای خاص اجتماعی و سیاسی در جوامع گوناگون می‌گردد. برای مثال وقتی امنیت حرف اول را بزند، نتیجه آن «الحکم لمن غلب» است، و صاحب شمشیر و شکوت امیر و صاحب ملک و واجب اطاعه بر سایر مسلمانان می‌باشد. در مقابل آزادی، ره‌آورد عدالت است و طرفداران عدالت باید آزادی‌ها و خواسته‌های به حق مردم را ارج نهند.

در نگاه شیعی عدالت به عنوان معارض امنیت نیست، بلکه عرصه‌ای برای ظهور و بروز همه جانبه امنیت سیاسی - اجتماعی در نظام اسلامی است. در تاریخ معاصر مبتنی بر رویکرد اجتهادی امام خمینی، اصل عدالت از جمله اصولی است که دخالت دادن آن به حیات انسانی و معقول فقه منتهی می‌شود. مهم‌تر اینکه با تأملی در اندیشه‌های امام خمینی، درمی‌یابیم که ایشان استفاده از این اصل را هم در تئوری و

نظریه‌پردازی و هم در عرصه تطبیق، مبنای کار خود قرار داده است. به علاوه اینکه حاصل بررسی اندیشه امام خمینی نشانه‌های بسیاری پیرامون هم‌راستایی عدالت و امنیت در اندیشه اسلامی و تفکر و عمل ایشان دارد.

امام خمینی به دلیل مشاهده بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها در رژیم دیکتاتوری پهلوی، و اینکه تحمل وضع جاری مردم مسلمان ایران را نداشتند، با تمام توان به مبارزه عدالت‌خواهانه برخاستند و بزرگ‌ترین انقلاب قرن را معماری نمودند. آنچه مسلم است اینکه عدالت در همه ابعاد از آرمان‌های بزرگ انقلاب بوده و کماکان یکی از خواسته‌های اصلی مردم و رهبری از دولت‌ها، تحقق این هدف بزرگ است.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن سینا، حسین (۱۳۸۷). *الالهیات من کتاب الشفاء*. تحقیق حسن زاده آملی. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۲. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۱). *تعاملات مشارکت سیاسی و امنیت ملی از منظر امام خمینی. پژوهش‌های انقلاب اسلامی ایران*، ۱(۳): ص ۳۳-۵۵.
۳. ارسطو (۱۳۶۴). *سیاست*. ترجمه سید جعفر سجادی. تهران: جیبی.
۴. بیگلری، احمد (۱۳۹۸). *نشانه‌شناسی حقوق شهروندی در اندیشه امام خمینی. سیاست متعالیه*، ۷(۲۵): ص ۶۵-۸۶.
۵. جر، خلیل (۱۳۹۱). *فرهنگ لاروس*. تهران: امیرکبیر.
۶. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۵۷). *ولایت فقیه*. تهران: امیرکبیر.
۷. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹). *صحیفه نور*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۱۶-۱۴، ۱۱، ۱-۱۰، ۱۹-۲۱، ۱۳.
۸. خمینی، سید روح‌الله (بی‌تا). *تفسیر سوره حمد*. قم: انتشارات آزادی، ج ۲.
۹. رادمند، داور (۱۳۷۹). *امنیت و آزادی. علوم سیاسی*، ۹.
۱۰. راغب اصفهانی، محمد (بی‌تا). *مفردات الفاظ القرآن*. قم: اسماعیلیان.
۱۱. سلیمی، عبدالحکیم (۱۳۸۴). *راهکارهای تأمین عدالت*. کتاب نقد، ۳۷.
۱۲. شرباصی، احمد (۱۳۸۴). *دایرةالمعارف اخلاق قرآنی*. کردستان: تافگه، ج ۱.
۱۳. طباطبائی، سید محمدحسین (بی‌تا). *المیزان فی التفسیر القرآن*. تهران: منشورات اسلامی.
۱۴. فارابی، محمد (۱۳۵۸). *سیاست*. ترجمه سید جعفر سجادی. تهران: انجمن فلسفه تهران.
۱۵. قاسمی، حسین (۱۳۸۰). *برداشت‌های متفاوت از امنیت ملی. سیاست دفاعی*، ۲: ص ۵۴-۵۵.
۱۶. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. قزلسلی، محمدتقی (۱۳۹۷). *مولفه‌های حکمرانی در چارچوب نظریه زیست جهان. سیاست متعالیه*، ۶(۲۲).
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۴). *الکافی*. تهران: دارالکتاب الاسلامیه، چاپ پنجم، ج ۳.
۱۹. کویره، الکساندر (۱۳۶۰). *سیاست از نظر افلاطون*. ترجمه امیرحسین جهاننگلو. تهران: خوارزمی.
۲۰. لکنزایی، نجف؛ نباتیان، محمداسماعیل؛ کریمیان، نورالله (۱۳۹۵). *امنیت ملی دولت اسلامی از منظر فقه شیعه. سیاست متعالیه*، ۴(۱۴): ص ۲۰-۶۱.
۲۱. لکنزایی، نجف (۱۳۹۳). *امنیت متعالیه. سیاست متعالیه*، ۵: ص ۷-۲۷.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۶۲). *بررسی اجمالی پیرامون مبانی اقتصاد اسلامی*. تهران: حکمت.

۲۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). *آینده انقلاب اسلامی*. تهران: صدرا.
۲۴. معلوف، لوئیس (۱۳۹۳). *المنجد*. ترجمه محمد بندریگی. تهران: انتشارات اسلامی.
۲۵. معین، محمد (۱۳۸۸). *فرهنگ معین*. تهران: نشر زرین.
۲۶. مهریزی، مهدی (۱۳۸۱). *اندیشه‌های اجتماعی امام خمینی*. تهران: نشر معراج.
۲۷. ورعی، سید جواد (۱۳۸۱). *حقوق و وظایف شهروندان و دولت‌مردان*. قم: دبیرخانه مجلس خبرگان.
۲۸. یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۴). *عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام*. کتاب نقد، ۳۷.

استناد به این مقاله

DOI: 10.22034/sm.2021.119340.1488

فتاحیان، محمدحسین؛ رضاپور، حسین (۱۴۰۰). ترسیم از رابطه عدالت و امنیت در نظام اسلامی با تاکید بر اندیشه امام خمینی. *سیاست متعالیه*، ۹(۳۳): ص ۱۰۹-۱۲۶.